



نگرش علم الحدیثی امام علی علیه السلام

طاهره جوکار^۱، دکتر محمدرضا ستوده‌نیا^۲

دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۱۶ - پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۱۷

چکیده

علم الحدیث یکی از علومی است که برای فهم سخنان معصومین اهمیت فراوانی دارد و خود به دانش‌های مختلفی از جمله رجال و فقه الحدیث تقسیم می‌شود. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا ائمه خود به این علم توجه داشته و در سخنانشان مواردی از آن را بیان کرده‌اند یا نه؟ از این رو در مقاله حاضر نگرش علم الحدیثی امام علی علیه السلام شامل موارد ذیل بررسی می‌شود:

۱- اقدامات امام علی علیه السلام در زمینه نشر احادیث؛ از جمله تشویق مردم به عمل به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و تشویق به فراگیری حدیث و نگارش آن است، چنان که خود امام کتبی در این زمینه دارند. ۲- وجود احادیث جعلی در روایات. ۳- انواع راویان و انواع احادیث. ۴- مبانی امام علی علیه السلام درباره حل اختلاف الحدیث، چنان که امام در این زمینه مباحثی را مطرح کرده‌اند که در اینجا بررسی شده است. ۵- مبانی فهم حدیث که از جمله آنها تصحیح تحریفات در روایات پیامبر صلی الله علیه و آله است. ۶- دیدگاه امام علیه السلام درباره سند احادیث که باید متصل نقل شود. ۷- وجود احادیث صعب مستصعب در روایات امام علی علیه السلام و دیدگاه امام در این زمینه.

این موارد نشان می‌دهد که امام علی علیه السلام مواردی از علم حدیث را در روایات خود نقل

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر ائمه: tjokar137@yahoo.com.

۲. استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان.

کرده و بر آن تأکید داشته‌اند و این در واقع اهمیت این علم را می‌رساند و اینکه ائمه علیهم‌السلام از ابتدا به این مسئله توجه داشته‌اند.
کلیدواژه‌ها: علم الحدیث، امام علی علیه‌السلام، حدیث نگاری، اختلاف الحدیث.

مقدمه

حدیث و روایت از دیدگاه محدثان، کلامی است که ارتباطی مستقیم با معصوم دارد. حدیث به معنای فعل، قول و تقریر معصوم، جایگاهی مهم در دین‌شناسی و علوم اسلامی دارد. شیعیان، از آغاز به حدیث توجه داشته‌اند و تلاش‌های طاقت‌فرسایی را در حفظ، کتابت، تدوین و تبویب، شرح، ترجمه و تکمیل «علوم الحدیث» از قبیل رجال و درایه متحمل شده‌اند.^۱ ائمه علیهم‌السلام در بیانات خود توجه ویژه‌ای به علوم مربوط به حدیث داشته‌اند. نزدیکی امام علی علیه‌السلام با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به اقرار صحابه و توصیف خود امام علیه‌السلام و التزام امام به سنت نبوی و تأکید بر آن، چنین اقتضا دارد که ایشان روایات فراوانی از آن حضرت نقل کرده باشند. در شماری از روایات امام علی علیه‌السلام، شدت مصاحبت و ملازمت ایشان با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و موقعیت ویژه وی برای تلقی معارف و حیانی از آن حضرت به خوبی نمایان است. خطبه اول *نهج البلاغه* نشان می‌دهد که تا چه اندازه رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به آن حضرت علاقه مند بوده و در پرورش وی کوشیده است. علاوه بر آن، این روایت نشان‌دهنده آن است که شرایط فراگیری همه معانی قرآن از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای آن حضرت کاملاً فراهم بوده است.^۲

از جمله پیشینه این موضوع مقاله‌ای با عنوان «نگرش علم الحدیثی امام هادی علیه‌السلام» است از نوروز امینی که نویسنده در آن نگاهی به وضعیت حدیث در دوران امام هادی علیه‌السلام دارد و مواردی از نگاه امام هادی علیه‌السلام به علم حدیث را بیان می‌کند. مقاله دیگری با عنوان «نقش اصحاب ایرانی امام حسن عسکری علیه‌السلام در علم الحدیث» از دکتر

۱. بهبودی، محمدباقر، *معرفة الحدیث*، ص ۱۸.

۲. صبحی صالح، *نهج البلاغه*، ج ۱، ص ۷.

مصطفی پیرمردیان است که کارهایی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام در علم رجال و حدیث شناسی را بررسی می‌کند. همچنین کتب روایی از جمله *نهج البلاغه* و *نور الثقلین* این روایات را گردآوری کرده‌اند. در بررسی سخنان معصومین علیهم السلام، به موارد زیادی برمی‌خوریم که مستقیم یا غیرمستقیم به قواعد علم الحدیث مربوط می‌شود. در سخنان امام علی علیه السلام نیز چنین مواردی یافت می‌شود؛ نکاتی از قبیل اقدامات امام علی علیه السلام در زمینه نشر احادیث، وجود احادیث جعلی در بین روایات، انواع روایان حدیث و انواع حدیث، روش‌های اختلاف الحدیث، تصحیح تحریف‌های احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و صعب و مستصعب بودن حدیث که مقاله حاضر به بررسی این موارد می‌پردازد.

نگرش علم الحدیثی امام علی علیه السلام

در میان روایات امام علی علیه السلام مواردی یافت می‌شود که امام از موضوعاتی که در علم حدیث بحث می‌شود سخن گفته‌اند. در ادامه به مواردی از این قبیل پرداخته می‌شود.

اقدامات امام علی علیه السلام در زمینه حفظ و نشر احادیث

امام علی علیه السلام یکی از مسئولیت‌های خویش را متابعت و حمایت و نشر سنت نبوی دانسته، این وظیفه را به شکل‌های گوناگون به انجام رسانید. مهم‌ترین شیوه‌های نشر سنت و حدیث نبوی را این گونه می‌توان یاد کرد:

۱- تشویق مردم به عمل به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله: امام علی علیه السلام در موقعیت‌های مختلف و در خطبه‌های عمومی، مردم را به پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله دعوت می‌کرد؛ از جمله در روایتی در این باره فرمود: «اقتدوا بهدی نبیکم فانّه افضل الهدی، و استتوا بسنته فانّها اهدی السنن»^۱ از هدایت پیامبرتان پیروی کنید؛ چه آنکه هدایت او برترین هدایت‌هاست و به سنت او عمل کنید که هدایت‌کننده‌ترین روش‌هاست. در این

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *تصنیف غررالحکم*، ج ۲، ص ۲۶.

روایت، امام علیه السلام مردم را به پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله که روشی برای حفظ و نشر احادیث است، تشویق می‌کند.

۲- تشویق به آموزش و فراگیری حدیث: آموزش حدیث یکی از راه‌های جلوگیری از فراموش شدن آن است. به خصوص در آن دوره که کتب و نوشته‌های حدیثی بسیار کم بود و در دسترس همگان قرار نداشت، امام علی علیه السلام برای نشر و حفظ حدیث، مردم را به آموزش و فراگیری حدیث ترغیب می‌فرمود. از طریق اهل سنت و شیعه از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «تزاوروا و تدارسوا الحدیث و لاتترکوه یدرس»؛ به دیدار هم بروید و از حدیث بحث کنید و آن را ترک نکنید که از دست برود.^۱

امام علی علیه السلام مردم را به فراگیری حدیث تشویق می‌کند تا جایی که به نقل از رسول خدا، پیروان حدیث و سنت و آموزگاران آن را جانشینان رسول خدا معرفی کرده است. امام علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت سه مرتبه فرمود: «اللهم ارحم خلفایی»؛ خدایا بر جانشینان من رحمت نما. از ایشان پرسیده شد که جانشینان شما کیانند؟ آن حضرت فرمود: «کسانی که از حدیث و سنت من پیروی می‌کنند و سپس آن را به امت من می‌آموزند».^۲

۳- حفظ حدیث از نگاه امام علی علیه السلام: از جمله روش‌هایی که امام علی علیه السلام برای حفظ احادیث به کار می‌برد، تشویق مردم به نگارش احادیث بود که این خود باعث نشر بیشتر روایت می‌شود. از این رو امام علی علیه السلام خود احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌نوشت. درباره ارزش کتاب از ایشان نقل شده است که فرمود: «الکتب بساتین العلماء»^۳؛ کتاب‌ها بوستان‌های دانشمندان‌اند، امام علیه السلام از نویسندگان وحی الهی و نامه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله بود و حدیث را هم از آن حضرت می‌نگاشت و گاه این احادیث نوشته شده را

۱. متقی هندی، علی، *کنز العمال*، ج ۱۰، ص ۳۰۴.

۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، ج ۲، ص ۱۴۴؛ حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ج ۲۷، ص ۹۱.

۳. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، *شرح غرر الحکم*، ج ۱، ص ۲۴۵.

به دیگران می فروخت. روایات بسیاری حاکی از این است که آن حضرت در عرضه این نوشته‌ها ندا می داد: «مَنْ يَشْتَرِي مِنِّي عِلْمًا بِدَرْهَمٍ»؛ چه کسی از من دانش را به یک درهم می خرد؟

در برخی نقل‌ها مخاطب ایشان را اهل کوفه دانسته‌اند که شاهد بر این است که حضرت در عصر حکومت خویش چنین می کرده است.^۲ در واقع این یکی از مهم‌ترین شیوه‌هایی بود که به تدبیر پیامبر ﷺ و توسط امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام، احادیث ایشان حفظ می شد. امام علاوه بر این مردم را نیز به نگارش تشویق می کرد. خطیب بغدادی به اسناد مختلف از امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نقل می کند که ایشان فرمود: «قِتِدُوا الْعِلْمَ، قِتِدُوا الْعِلْمَ»؛^۳ دانش را بنویسید، دانش را بنویسید منظور از دانش در این روایت علم حدیث است که امام عَلَيْهِ السَّلَام مردم را به نوشتن آن تشویق می کند تا از این طریق کمتر دچار تحریف شود. در روایت دیگری امام عَلَيْهِ السَّلَام از پیامبر ﷺ نقل می کند که این علم حدیث را بنویسید؛ چه آنکه شما از آنها یا در دنیا یا در آخرت سود خواهید برد و به درستی که دانش صاحبش را تباه نمی کند.^۴

پیامبر ﷺ به امام علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: آنچه را که بر تو املا می کنم بنویس. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ای پیامبر خدا! آیا بر من از فراموشی می ترسید؟ فرمود: از فراموشی بر تو نمی ترسم و من از خداوند خواسته‌ام که برای تو حفظ کند و تو را فراموشاند، و لکن تو برای شریکان خویش بنویس. گفتیم: چه کسانی شریکان من هستند، ای پیامبر خدا؟ فرمود: امامان از فرزندان، که به واسطه ایشان امت من از باران سیراب می شوند و به

۱. ثقفی، ابراهیم بن محمد، *الغارات*، ج ۲، ص ۷۱۸.

۲. قپانچی، سید حسن، *مسند امام علی عَلَيْهِ السَّلَام*، ج ۱، ص ۸۵.

۳. احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الائمة عَلَيْهِمُ السَّلَام*، ج ۵، ص ۱۲.

۴. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، ج ۱، ص ۱۶۲.

واسطه آنها دعای امت من اجابت می شود و به خاطر ایشان خداوند بلا را از امت من باز می گرداند و به واسطه ایشان رحمت خدا از آسمان نازل می شود.

نقل های دیگری وجود دارد که شاهدانی مواردی از املائی رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را نقل کرده اند.^۱

از جمله از ام سلمه، همسر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است: «أَقْعَدَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيًّا عَلِيًّا فِي بَيْتِي ثُمَّ دَعَا بِجِلْدِ شَاةٍ فَكَتَبَ فِيهِ حَتَّى أَكَارِعَهُ»^۲؛ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ علی را در خانه من نشانید، سپس پوست گوسفندی خواست و در آن نوشت و حتی گوشه های آن پوست پر شد.

چنین روایتی را سمعانی نیز از طریق اهل سنت از ام سلمه نقل می کند که: «دعا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بادیم و علی عنده فلم يزل رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يملئني و علي يكتب حتى ملأ بطن الاديمن و ظهره و أكارعه»^۳؛ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پوست دباغی شده خواست، در حالی که علی عَلِيًّا نزد وی بود. پس پیوسته رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ املا می کرد و علی می نگاشت تا آنکه داخل پوست و پشت و گوشه های پوست پر شد.^۴

نمونه هایی که یاد شد نشان از حدیث نگاری امام علی و املائی رسول خدا دارد که راهی برای حفظ احادیث نبوی بود. در این باره کتبی از امام علی عَلِيًّا نوشته شده است که در ادامه برخی از آنها ذکر می گردد:

الف - کتاب جامعه

چنان که در روایات آمده است پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کتابی را بر امام علی عَلِيًّا املا کرد، و ایشان به خط خود آن را نگاشت که جامعه نام دارد. محتوای این کتاب همه احکام حلال و

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۲۰۶.

۲. ابن بابویه، علی بن حسین، الامامة و التنصير، ص ۴۰.

۳. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، ص ۲۶۹.

۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۶، ص ۲۱۲.

حرامی است، که مورد نیاز مردم است حتی دیه خراش پوست بدن که از جزئی ترین احکام است در آن کتاب موجود است. روایاتی که این کتاب را وصف کرده اند حجم آن را طوماری به طول هفتاد ذراع از ذراع رسول خدا ﷺ معرفی کرده اند. برخی روایات در وصف این کتاب آن را به ضخامت «ران مردان» و یا به ران شتر دوکوهان تشبیه کرده و عرض آن را در حد یک پوست دباغی شده دانسته اند.

ب - صحیفه علی علیه السلام

در مصادر شیعه و سنی از صحیفه ای نام برده شده که در آن احادیث به املائی پیامبر صلی الله علیه و آله و خط امام علی علیه السلام نوشته شده بود؛ اما محتوا و حجم این کتاب مورد اختلاف فریقین است، از جمله روایت شده است که از امام علی علیه السلام سؤال شد: آیا نزد شما چیزی هست که در قرآن نیست؟ و در نقل دیگری پرسیدند، آیا نزد شما چیزی هست که نزد مردم نیست؟

حضرت فرمود: سوگند به آن که دانه را شکافت و انسان را خلق کرد نزد ما چیزی جز آنچه که در قرآن هست وجود ندارد مگر فهم و درکی که به فرد در کتاب خدا عنایت شده و آنچه که در این ورقه است.

پس راوی پرسید: در ورق چیست؟

فرمود: حکم عاقله، و آزادی اسیر و اینکه مسلم در برابر کافر قصاص نمی شود.^۱

ج - کتاب جفر

محتوای کلی این کتاب علم منایا و بلایا و رزایا؛ یعنی علم مرگ ها و بلیه ها و مصیبت های مردم، و علم آنچه که تا قیامت خواهد بود، معرفی شده است. و نام اولیای خدا از خاندان علی بن ابی طالب علیه السلام تا روز قیامت در این کتاب هست و همچنین نام دشمنان علی علیه السلام و دوستان او در هر زمان آمده. و هر آنچه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله بر علی علیه السلام

۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، *الصحيح*، ج ۱، ص ۳۶.

خواهد گذشت هم در این کتاب آمده است.^۱

وجود احادیث جعلی در بین روایات

یکی از مباحثی که در علم حدیث بررسی می‌شود وجود جعل در احادیث است. درباره آغاز جعل در روایات اختلافاتی وجود دارد. عده‌ای وضع و جعل را در هنگام بروز «فتنه» و حتی بعد از آن می‌دانند، تا به زمان صحابیان جریان جعل و وضع نسبت داده نشود، چرا که لازمه این امر آلوده شدن ساحت برخی از صحابیان به کذب و مخدوش شدن آموزه عدالت صحابه است.^۲ عده‌ای دیگر وضع و جعل را به شکل گسترده آن، پس از فتنه واقعه قتل عثمان می‌دانند،^۳ اما روایتی از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ از پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وجود دارد که هم وجود جعل در روایات و هم زمان آن را نشان می‌دهد که آغاز آن از زمان پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بوده است. امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: شنیدم که پیامبر فرمود: "مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مُتَعَمِّدًا فَلَيْتَبَوُّا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ".^۴

این روایت حاکی از آن است که در دوران پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کذب و جعل وجود داشته است که آن حضرت این سخن را ایراد فرمودند.

انواع حدیث و دسته‌بندی راویان

در ادامه روایتی طولانی از امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌شود که در آن، امام عَلَيْهِ السَّلَامُ انواع راویان حدیث و انواع حدیث را ذکر می‌کند که خود یکی از موضوعات مهم در علم حدیث است.

۱. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، ج ۲۶، ص ۲۷؛ ابن بابویه، محمد بن علی، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۲، ص ۳۵۳.

۲. سباعی، مصطفی، *السنة ومكانتها في تشريع الاسلام*، ج ۱، ص ۹۲.

۳. ابوزهره، محمد، *الحدیث والمحدثون*، ج ۱، ص ۴۸۰.

۴. کراجکی، محمد بن علی، *کنزالفوائد*، ج ۲، ص ۱۴۷.

سلیم بن قیس گوید: به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردم: من از سلمان و مقداد و ابوذر چیزی از تفسیر قرآن و هم احادیثی از پیغمبر شنیده‌ام که با آنچه نزد مردم است مخالف است و باز از شما می‌شنوم چیزی که آنچه را شنیده‌ام تصدیق می‌کند، و در دست مردم مطالبی از تفسیر قرآن و احادیث پیغمبر می‌بینم که شما با آنها مخالفید و همه را باطل می‌دانید.

آیا عقیده دارید که مردم عمداً به رسول خدا دروغ می‌بندند و قرآن را برای خود تفسیر می‌کنند؟ سلیم گوید: حضرت به من توجه کرد و فرمود: سؤالی کردی، اکنون پاسخش را بفهم. همانا نزد مردم حق و باطل و راست و دروغ و ناسخ و منسوخ و عام و خاص و محکم و متشابه و خاطره درست و نادرست همه هست و در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله مردم بر حضرتش دروغ بستند تا آنکه میان مردم به سخنرانی ایستاد و فرمود: «ای مردم! همانا دروغ‌بندان بر من زیاد شده‌اند. هر که عمداً به من دروغ بزند باید جای نشستن خود را دوزخ داند». سپس بعد از او هم بر او دروغ بستند. همانا حدیث از چهار طریقی که پنجمی ندارد به شما می‌رسد:

اول - شخص منافقی که تظاهر به ایمان می‌کند و اسلام ساختگی دارد و از دروغ بستن به عمد به پیغمبر پروا ندارد و آن را گناه نمی‌شمارد. اگر مردم بدانند که او منافق و دروغ‌گوست از او نمی‌پذیرند و تصدیقش نمی‌کنند، لیکن مردم می‌گویند این شخص همدم پیغمبر بوده و او را دیده و از او شنیده است. مردم از او اخذ کنند و از حالش آگهی ندارند، در صورتی که خداوند پیغمبرش را از حال منافقان خبر داده و ایشان را توصیف نموده و فرموده است: «چون ایشان را ببینی از ظاهرشان خوشت آید و اگر سخن گویند به گفتارشان گوش دهی».

منافقان پس از پیغمبر زنده ماندند و به رهبران گمراهی و کسانی که با باطل و دروغ و تهمت، مردم را به دوزخ خوانند پیوستند و آنها پست‌های حساسشان دادند و برگردن مردمشان سوار کردند و به وسیله آنها دنیا را به دست آوردند؛ زیرا مردم همراه زمامداران و دنبال دنیا می‌روند مگر آن را که خدا نگه دارد.

دوم - کسی که چیزی از پیغمبر صلی الله علیه و آله شنیده و آن را درست نفهمیده است و به غلط

رفته، ولی قصد دروغ نداشته است. آن حدیث در دست اوست، به آن معتقد است و عمل می‌کند و به دیگران می‌رساند و می‌گوید من این را از رسول خدا ﷺ شنیدم. اگر مسلمانان بدانند که او به غلط رفته آن را نمی‌پذیرند و اگر هم خودش بداند اشتباه کرده آن را رها می‌کند.

سوم- شخصی که چیزی از پیغمبر ﷺ شنیده که به آن امر می‌فرمود، سپس پیغمبر از آن نهی فرموده و او آگاه نگشته، یا نهی چیزی را از پیغمبر شنیده و سپس آن حضرت به آن امر فرموده و او اطلاع نیافته. پس او منسوخ را حفظ کرده و ناسخ را حفظ نکرده. اگر او بداند منسوخ است ترکش کند و اگر مسلمانان هنگامی که از او می‌شنوند بدانند منسوخ است ترکش می‌کنند.

چهارم- شخصی که بر پیغمبر دروغ نبسته و دروغ را از ترس خدا و احترام پیغمبر مبعوض دارد و حدیث را هم فراموش نکرده، بلکه آنچه شنیده، چنان که بوده حفظ کرده و همچنان که شنیده نقل کرده، به آن نیفزوده و از آن کم نکرده و ناسخ را از منسوخ شناخته، به ناسخ عمل کرده و منسوخ را رها کرده؛ زیرا امر پیغمبر ﷺ هم مانند قرآن ناسخ و منسوخ و خاص و عام و محکم و متشابه دارد. گاهی رسول خدا ﷺ به دو طریق سخن می‌فرمود: سخنی عام و سخنی خاص مثل قرآن. و خدای عز و جل در کتابش فرموده: «آنچه را پیغمبر برایتان آورده اخذ کنید و از آنچه نهیتان کرده باز ایستید.»

کسی که مقصود خدا و رسولش را نفهمد و درک نکند، بر او مشتبه شود. اصحاب پیغمبر ﷺ که چیزی از او می‌پرسیدند، همگی که نمی‌فهمیدند، بعضی از آنها از پیغمبر می‌پرسیدند، ولی فهم جویی نمی‌کردند و دوست داشتند که کسی بیاید و از پیغمبر بپرسد تا آنها بشنوند. اما من هر روز یک نوبت و هر شب یک نوبت بر پیغمبر ﷺ وارد می‌شدم، با من خلوت می‌کرد و در هر موضوعی با او بودم. اصحاب پیغمبر ﷺ می‌دانند که جز من با هیچ کس چنین رفتار نمی‌کرد.

امام علی رضی الله عنه در این روایت انواع حدیث را چنین برشمرده است: حق و باطل، راست و دروغ، ناسخ و منسوخ، عام و خاص و محکم و متشابه. آن حضرت راویان حدیث را نیز به چهار دسته تقسیم می‌کند:

۱- راوی منافق: در دانش رجال از این اشخاص با تعبیر کذاب، وضاع و مانند آن یاد شده است.

۲- راوی غیر حافظ: کسانی که در نقلشان اشتباه زیاد دیده می شود و قدرت حفظ مناسبی ندارند.

۳- راوی غیر ضابط: کسانی که انواع حدیث را از هم تشخیص نمی دهند و ناسخ را از منسوخ نمی شناسند.

۴- راوی ثقة ضابط حافظ: کسانی که نقل هایشان شرایط صدق را دارد و شروطی را که برای پذیرش روایت ضروری است دارند.

در واقع حدیثی را که حق و باطل و راست و دروغ است منافق ذکر می کند؛ زیرا از اینکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله دروغ ببندد ابایی ندارد؛ چرا که او به ظاهر اسلام آورده است و از دل اعتقادی به آن ندارد و سعی می کند که به هر طریقی آسیب وارد کند؛ به همین دلیل احادیثی را جعل کرده، به دروغ به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت می دهد. برخی احادیث نیز عام و خاص و محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ است و چه بسا قسمتی نقل شود و قسمت دیگر ذکر نشود؛ مثلاً منسوخ ذکر می شود و از ناسخ یادی نمی شود و این باعث ایجاد شبهه و اشکال در احادیث می گردد و این احادیث را شخصی ذکر می کند که گاهی مطالبی را شنیده و نقل کرده و مورد دیگر را نقل نکرده است و ناخواسته به روایات آسیب وارد کرده است و چه بسا شخصی که دچار وهم است و حافظه خوبی ندارد احادیث را به اشتباه نقل کند و به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت دهد. با توجه به این روایت، تنها یک مورد از احادیث صحیح هستند که آن را فردی نقل می کند که ایمان و اسلام صحیح دارد و چیزی را به دروغ و اشتباه به پیامبر صلی الله علیه و آله نسبت نمی دهد و همه سخنان را کامل نقل می کند. بی گمان امام علی علیه السلام مصداق اتم این مورد هستند که همیشه همراه پیامبر صلی الله علیه و آله بوده و همه چیز را صحیح نقل کرده اند.^۱

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *خصال*، ج ۱، ص ۲۵۵.

مبانی حل اختلاف حدیث از نگاه امام علی علیه السلام

مراد از اختلاف حدیث این است که دو حدیث را که در ظاهر معنای آنها متضاد است، می‌توان بین آنها جمعی انجام داد و یا اینکه یکی از آن‌ها را بردیگری ترجیح داد.^۱ با توجه به وجود احادیث مختلف در بین منابع حدیثی علم مختلف الحدیث شکل گرفت که به بررسی احادیثی می‌پردازد که به ظاهر دارای تعارض و تناقض است. از این جهت که میان این احادیث از طریق تقييد مطلق یا تخصیص عام یا حمل آنها بر تعدد حادثه و مانند آن جمع می‌کنند. به این علم «علم تليق الحدیث» نیز گفته‌اند.^۲ اولین فردی که در زمینه اختلاف حدیث سخن گفته، حضرت علی علیه السلام است. ایشان در حدیث اول باب اختلاف الحدیث کافی به بیان اسباب اختلاف حدیث و راه‌های رفع آن اشاره دارند.^۳ از این رو بحث جمع احادیث مختلف در حدیث شیعه از قرن دوم مطرح شده است.^۴

در روایت قبلی که از امام علی علیه السلام ذکر شد و امام احادیث را به محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و عام و خاص تقسیم می‌کرد^۵ این خود روشی برای حل اختلاف الحدیث است، به این صورت که می‌توان اختلاف را این‌گونه حل کرد که در میان احادیثی که به ظاهر دارای اختلاف هستند چه بسا یکی عام و دیگری خاص باشد و این اختلاف بین آنها نیست و با تخصیص عام بین روایات جمع می‌شود و تعارض آنها از بین می‌رود. در خصوص محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ نیز همین‌گونه است.^۶

۱. نووی، یحیی بن شرف، *التقريب والتهديب*، ج ۲، ص ۱۷۵.

۲. صبحی صالح، *علوم الحدیث و مصطلحه*، ص ۱۱۰.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۱، ص ۶۲.

۴. طوسی، محمد بن حسن، *الفهرست*، ص ۱۸۱.

۵. حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، ص ۱۹۳.

۶. احسانی فر، محمد، *اسباب اختلاف الحدیث*، ص ۳۳.

روش دیگری که امام علی علیه السلام برای حل اختلاف بین روایات نقل می‌کند عرضه حدیث به قرآن و روایات است. در این باره روایاتی از امام علی علیه السلام نقل شده است؛ از جمله امام باقر علیه السلام فرمود: من در کتاب علی علیه السلام خواندم که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر من دروغ بسته خواهد شد؛ چنان که بر کسانی که پیش از من بودند، دروغ بستند؛ از این رو هر حدیثی از من به شما رسید که موافق کتاب خدا بود، آن حدیث من است و هر چه مخالف کتاب خدا بود، حدیث من نیست.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است که فرمود: هیچ گفتاری جز با کردار ارزش ندارد. و هیچ گفتار و کرداری جز با نیت ارزش ندارد. هیچ گفتار و کردار و نیتی نیز جز با موافقت سنت ارزش ندارد.^۲

در *نهج البلاغه* از امام علی علیه السلام نقل شده است: جایی که کارها بر تو مشکل شود و در اموری که برایت شبهه حاصل گردد حل آن را به خدا و پیامبرش ارجاع ده، که خداوند به مردمی که هدایتشان را علاقه داشته فرموده: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ (نساء/ ۵۹) باز گرداندن به خدا، قبول آیات محکم او، و ارجاع به رسول، پذیرفتن سنت اوست که جمع کننده همگان بر یک رأی است و پراکنده نیست.^۳

در روایاتی که یاد شد، امام علیه السلام از جمله مبانی حل اختلاف حدیث را ارجاع دادن به قرآن و روایات می‌داند، به این صورت که بین احادیثی که با هم اختلاف دارند هر یک را که موافق با قرآن و سنت باشد می‌پذیریم و بقیه را کنار می‌گذاریم. و در مواردی که شبهه و شکی ایجاد شد توقف کرده، تسلیم آن می‌شویم تا حق آشکار شود. به طور کلی مبانی حل اختلاف از نگاه امام علی علیه السلام به این ترتیب است: تخصیص عام، مشخص کردن ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه، عرضه حدیث به قرآن و سنت و توقف هنگام

۱. احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الرسول*، ج ۲، ص ۱۶۳.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۱، ص ۶۹.

۳. حرعاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ج ۲۷، ص ۱۰۶.

اتصال سند در روایات

اهتمام به امر حدیث - مخصوصاً با تداول نقل شفاهی در نقل حدیث - موجب شد که دانشمندان، برای جلوگیری از دستبرد در میراث نبوی، احادیثی را که هنگام تدوین یا تحدیث از زمان صدور آن از مصدر نبوت و امامت، فاصله یافته بود، با اسناد و ذکر وسائط نقل کنند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هرگاه حدیث و سخنی را (برای دیگری) نقل نمودید و گفتید، پس آن را به کسی که برای شما نقل نموده نسبت دهید و پیوسته نمایید. پس اگر آن حدیث حق و درست بوده نفع و سود آن برای شماست، و اگر دروغ بوده زیانش برای کسی است که آن حدیث را برای شما نقل کرده است.^۱

در روایت دیگری امام علی علیه السلام فرمود: حدیث را با سندش بخوانید، اگر درست باشد شما هم در آن شریک هستید و اگر دروغ باشد گناه آن متوجه ناقلش می‌باشد.^۲

در این دو روایتی که یاد شد، امام علی علیه السلام به ذکر سند و متصل بودن آن توجه ویژه دارند؛ چرا که می‌فرمایند: سندها باید با واسطه‌ها نقل شوند و از این روایات می‌توان استفاده کرد که صحیح‌ترین روایت‌ها روایاتی است که سند آن کامل ذکر شده باشد و این یکی از موضوعات مهم علم حدیث است و نشان می‌دهد که ائمه علیهم السلام نیز به ذکر سند در احادیث توجه داشته‌اند.

مبانی فهم حدیث از نگاه امام علی علیه السلام

در علم حدیث یکی از موضوعاتی که بررسی می‌شود، بحث از فهم حدیث است که مبانی مختلفی را برای آن برشمرده‌اند. در میان روایات ائمه علیهم السلام هم مواردی از این قبیل یافت می‌شود. در اینجا به دو مورد از روش‌هایی که امام علی علیه السلام در مورد فهم بهتر

۱. حرعاملی، محمدبن حسن، *الفصول المهمة*، ج ۲۷، ص ۷۷.

۲. طبرسی، علی بن حسن، *مشکاة الانوار*، ص ۱۴۲.

حدیث نبوی به کار برده‌اند، اشاره می‌شود:

الف - تصحیح تحریف‌های وارده در احادیث

یکی از آسیب‌های وارد شده بر احادیث نبوی، تحریف متن آنها (کم و زیاد کردن و تغییر متن) است که بی‌گمان برای تأمین اغراض قدرت‌طلبان و دین‌فروشان بوده است. اهل بیت علیهم‌السلام با آگاهی از این آسیب، به تصحیح و پاکسازی احادیث نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از تحریفات پرداختند. در اینجا یک نمونه بررسی می‌شود:

- در منابع اهل سنت از قول پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پایه‌های اسلام، این‌گونه بیان شده است: «قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بنی الاسلام علی خمس: شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة والحج وصوم رمضان»؛ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: اسلام بر پنج پایه بنا شده است: شهادت بر لا اله الا الله و محمد رسول الله، اقامه نماز، پرداخت زکات، حج و روزه ماه رمضان».

امام علی علیه‌السلام درباره این روایت می‌فرماید: «از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم شنیدم که فرمود: اسلام بر پنج خصلت بنا نهاده شده است: بر شهادتین و قرینتین. به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عرضه شد: معنای شهادتین را می‌دانیم، اما معنای قرینتین چیست؟

فرمود: نماز و زکات که قرین یکدیگر هستند؛ همانا هیچ‌یک بدون دیگری پذیرفته نمی‌شود. و (نیز بنا شده) بر روزه و حج خانه خدا برای کسی که استطاعت دارد و این خصلت‌ها به «ولایت» ختم می‌شود؛ زیرا خدای عزوجل فرمود: «امروز، دینتان را برای شما کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین شما پذیرفتم».^۱

در این روایت، نماز و زکات با عنوان «قرینتین»، یک خصلت و پایه از ارکان دین معرفی شده و در خاتمه با استناد به قرآن کریم، پنجمین و آخرین پایه اسلام، «ولایت» امیرمؤمنان علیه‌السلام به شمار آمده است. نکته درخور توجه در این روایت، آن است که اولاً، در

۱. ابن حنبل، احمد، *المسند*، ج ۲، ص ۱۲۰.

۲. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، ج ۶۵، ص ۳۷۹.

سند این روایت ائمه معصوم علیهم‌السلام قرار دارند و ثانیاً، این روایت را از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده‌اند. این بدان معناست که سلسله نورانی اهل بیت علیهم‌السلام هر کدام تأکید ویژه‌ای بر تصحیح متن حدیث نبوی که در مجامع حدیثی اهل سنت ذکر شده، داشته‌اند و ایشان سعی کرده‌اند با اسناد حدیث به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، همگان را به تحریف رخ داده در متن متوجه سازند؛ تحریفی که به حذف ولایت از متن حدیث به عنوان رکنی از ارکان دین، منجر شده است و امام علی علیه‌السلام این تحریف را تصحیح کرده و به فهم درست روایت کمک کرده است.

ب - مفرد شناسی حدیث پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم

یکی از روش‌هایی که به فهم احادیث کمک می‌کند، مفردشناسی احادیث است، به این صورت که گاهی روایتی به صورت کلی بیان شده است و با شناخت مصادیق آن بهتر درک می‌شود. این شیوه در میان روایات ائمه از جمله امام علی علیه‌السلام وجود دارد. در ادامه به یک مورد اشاره می‌شود:

- امام علی علیه‌السلام در پاسخ به پرسشی درباره مصادیق «عترت» در حدیث نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِشْرَتِي» فرمود: «أَنَا وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَالْأَيُّمَةُ التِّسْعَةُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ تَأْسِعُهُمْ مَهْدِيَهُمْ وَقَائِمُهُمْ لَا يَفَارِقُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَلَا يُفَارِقُهُمْ حَتَّى يَرِدُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حَوْضَهُ»؛ من و حسن و حسین و نه امامی که از فرزندان حسین‌اند، و نهمی آنان مهدی که قائمشان است. آنان از قرآن جدا نگردند و کتاب خدا هم از ایشان جدا نشود، تا همگی بر پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کنار حوض کوثر وارد گردند.

در این روایت، امام علی علیه‌السلام به مفردشناسی حدیث نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرداخته و مصادیق عترت در روایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را برشمرده و این باعث فهم بهتر روایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گشته است.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون اخبار الرضا*، ج ۱، ص ۴۰.

نتیجه

از آنچه درباره نگرش علم الحدیثی امام علی علیه السلام بیان شد این نتایج به دست می آید که بحث از حدیث و نگرانی نسبت به آن از ابتدا در میان ائمه علیهم السلام وجود داشته است. در این مقاله روایاتی از امام علی علیه السلام بررسی و نمونه‌هایی در مورد علم حدیث استخراج شد؛ از جمله اینکه ۱- امام توجه خاصی به نشر احادیث نبوی داشته، این را به روش‌هایی گوناگون انجام می داد. ۲- امام علی علیه السلام در روایتی نسبت به وجود جعل در روایات هشدار می دهد و دلیل آن را وجود راویان مختلف می داند که منافق و یا دچار وهم هستند و انواع حدیث را برمی شمرد ۳- یکی از موضوعات مهمی که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نظر داشته، بحث از اختلاف الحدیث و روش‌های حل آن بوده است که چند مبنا را برای برطرف کردن اختلاف نقل می کند ۴- امام علیه السلام یکی از آسیب‌های وارد بر احادیث را که تحریف روایت است با تصحیح روایاتی از پیامبر صلی الله علیه و آله ذکر می کند و اینکه سند در حدیث مهم است و باید به صورت متصل ذکر شود و این موارد خود نشان دهنده توجه ائمه علیهم السلام به علم حدیث است.

منابع

۱. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین، شرح بر غرر الحکم، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ ش.
۳. _____، عیون اخبار الرضا، نشر جهان، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۴. _____، کمال الدین و تمام النعمه، اسلامیة، تهران، ۱۳۹۵ ق.
۵. ابن بابویه، علی بن حسین، الامامة و التبصرة، مدرسة الامام المهدي، قم، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن حنبل، احمد، المسند، وزارت اوقاف، مصر، بی تا.
۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۳ ش.
۸. ابوزهره، محمد، الحدیث و المحدثون، عناية الامة الاسلاميه، قاهره، ۱۳۷۸ ق.
۹. احسانی فر لنگرودی، محمد، اسباب اختلاف الحدیث، دار الحدیث، قم، ۱۳۸۵ ش.
۱۰. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الائمة، دار الحدیث، قم، ۱۴۲۶ ق.
۱۱. _____، مکاتیب الرسول، دار الحدیث، قم، ۱۴۱۹ ق.
۱۲. بخاری، محمد بن اسماعیل، الصحيح، دار ابن کثیر، بیروت، ۱۴۰۷ ق.

۱۳. بهبودی، محمدباقر، *معرفة الحديث*، شركة انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *تصنيف غررالحکم*، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۶ ش.
۱۵. ثقفی، ابراهیم بن محمد، *الغارات*، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۹۵ ق.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، *الفصول المهمة*، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا، قم، ۱۴۱۸ ق.
۱۷. _____، *وسائل الشیعه*، ناس، تهران، ۱۳۶۴ ش.
۱۸. سباعی، مصطفی، *السنة و مكانتها فی التشريع الاسلامی*، بی نا، بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۱۹. صبحی صالح، *علوم الحديث و مصطلحه*، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۱ م.
۲۰. _____، *نهج البلاغه*، هجرت، قم، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. صدوق، *كمال الدين و تمام النعمة*، مؤسسه نشر اسلامی، تحقیق؛ علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۰۵ ق.
۲۲. صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. طبرسی، علی بن حسن، *مشكاة الانوار*، المكتبة الحیدریه، نجف ۱۳۸۵ ق.
۲۴. طوسی، محمد بن حسن، *الفهرست*، ستاره، قم، ۱۴۲۰ ق.
۲۵. قپانچی، سید حسن، *مسند امام علی علیه السلام*، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۴۲۱ ق.
۲۶. کراجکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد*، دار الذخائر، قم، ۱۴۱۰ ق.
۲۷. _____، *نزهة الناظر*، اسلامیة، تهران، بی تا.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۲۹. متقی هندی، علی، *کنز العمال*، مؤسسة الرساله، بیروت، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، *مرآة العقول*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۳۱. _____، *بحار الانوار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۳۲. مفید، محمد بن محمد، *الاختصاص*، المؤتمر العالمی الالفیة الشیخ المفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. نووی، یحیی بن شرف، *التقريب و التهذيب*، به کوشش عبدالوهاب عبدالطیف، دارالکتب الحدیثه، ۱۳۸۵ ق.